

در صدر اسلام به‌ویژه در غزوات و در دوران دمسالۀ نبوت نبی مکرم اسلام در مدینه بدلیل خصومت دشمنان اسلام اعم از مشرکان قریش، یهودیان، اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه اسلامی بسیار حساس و مهم بود.این حساسیت و اهمیت به‌دلیل حضور منافقان در مدینه و اطراف آن و نیز فتنه‌انگیزی و کارشکنی‌های مکرر آنان به‌ویژه در زمینه‌ای ایجاد تزلزل و تردید و اضطراب در جبهه مسلمانان بیشتر احساس می‌شد. به همین دلیل، قرآن کریم در موارد متعددی از فتنه‌انگیزی منافقان کوردل هشدار می‌دهد و آنان را رسو می‌کند و از آنها با عنوان مرفجون نام می‌برد.

**معنای «ار جاف»**

«ارجاف» در لغت از ریشهٔ «رجف» و از باب «فعلال» به معنای فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب و اضطراب یا با کار یا با سخن و شایعه است.<sup>(۱)</sup> بنابراین عبارت «مُرجفون» یعنی همان کسانی که با ایجاد اضطراب، تزلزل و ترس و وحشت در دل و ذهن مسلمانان به شیوه‌های مختلف، به‌دنبال فتنه‌انگیزی و تفرقه در میان صفوف مسلمانان بودند.

**برخی از نمونه‌های تاریخی «ار جاف»**

۱. **بزرگ‌نمایی از دشمن در جنگ بدر (سال دوم هجری)**

بعد از اینکه مسلمانان برای تصاحب کاروان تجاری قریش از مدینه خارج شدند در ادامه داشتند که باید با لشکر قریش مواجه شوند؛ از این رو قبل از رسیدن به منطقهٔ بدر، حضرت رسول نظر مسلمانان را خواست. یکی از افرادی که سخن گفت، خلیفهٔ دوم بود که خطاب به پیامبر گفت: «ای رسول خدا، به خدا قسم این قریش است و از آنگاه که عزیز شده، هیچ‌گاه خوار نشده‌است؛ و به خدا؛ از هنگامی که کافر شده، ایمان نیاورده است؛ و به خدا، هر گز عزتش را از دست نمی‌دهد و با شدت خواهد جنگید؛ تو هم باید درخو ر آن و با کمال ساز و برگ، جنگ کنی.» پیامبر خدا که گویی گفتار وی برایش ناخوشایند بود، منظر سخن دیگر صحابه شد تا اینکه مقدار بن اسود کندی با خطبه‌ای شورانگیز، فضای جلسه را درهم‌شکست و پس از وی، سعد بن معاذ به نمایندگی از انصار سخنان پرشور در دفاع از حضرت رسول ایراد کرد و با زدودن حتن ناامیدی از جبهه مسلمانان و اطمینان حضرت از وفاداری آنان به عهد خویش،

حیا از برجسته‌ترین فضائل اخلاقی در آموزه‌های اسلامی است که نقش اساسی در سلامت فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند.
باین‌حال، ممکن است فردی در مسیر خودسازی احساس کند که از این فضیلت به‌اندازه کافی بهره‌مند نیست. پرسش اساسی این است که چنین فردی چه راهی برای تقویت حیا در پیش گیرد؟

**راهکارهای عملی برای تقویت صفت حیا**
**۱. تقویت معرفت نسبت به خداوند**
یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش حیا، باور قلبی به علم و احواله نامی خداوند بر اعمال و نیت‌های انسان است. هرچه انسان آگاهی عمیق‌تری نسبت به حضور خداوند در همه حالات داشته باشد، شرم از نافرمانی او در دلش افزون‌تر می‌شود. قرآن کریم انسان را به

**حیا تنها یک حالت درونی نیست، بلکه در عمل نیز باید تجلی یابد. کنترل زبان، پرهیز از شوخی‌ها و سخنان ناپسند، رعایت حدود شرعی در نگاه و رفتار و پابندی به آداب اسلامی، به‌تدریج روح حیا را در انسان تقویت می‌کند. التزام عملی، زمینه‌ساز تحول درونی است.**

توجه همیشگی به این حقیقت فرامی‌خوند که خداوند بر همه چیز آگاه است: «لَمْ يَكُنْ لَكَ خَفْئٌ أَنْ يَسْمِعَكَ اللَّهُ لَئِنْ لَمْ يَنْصَرِفْ مِنْكَ لَكُنَّ عَذَابُ الْآخِرَةِ خِفَّتًا لَوْلَا رَحْمَةُ اللَّهِ لَكُنَّا عَنْ الْآرَافِ وَالْأُفُقِ الْأُولَىٰ» اگر کسی حضور خدا را در همه گفتار و رفتارش ببیند، شرم او بیشتر می‌شود و راه افزایش احساس حضور خدا در زندگی همان افزایش ذکر خداست. خدا در هر حالتی ذکر و آداب عمومی و خصوصی قرار داده است. مراجعه به مفاتیح‌الجنان مرحوم شیخ عباس قمی(ره) و مفاتیح‌الحیات آیاتالله جوادى آملی ما را با بسیاری از دعاها و اذکار و آداب حالات مختلف زندگی آشنا می‌کند. کسی که دائم برای هر کاری یاد خدا را دارد، اول هر کاری بسم‌الله و آخر هر کاری الحمدلله را تمرین می‌کند، کمتر در معرض بی‌حیایی قرار خواهد گرفت.

**۲. تأمل در آثار و پیامدهای گناه**
اندیشیدن در نتایج فردی و اجتماعی بی‌حیایی، از

# قرآن و فتنه انگیزی



**«مُرجفون» در قرآن کریم برای افرادی به کار رفته است که با رفتار و گفتار خویش سعی در ایجاد آشوب و فتنه در صفوف مسلمانان را دارند. در دوران ده‌سالۀ حضور حضرت رسول در مدینه منوره به‌ویژه در غزوات ایشان که جزو لحظات بسیار حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ صدر اسلام به شمار می‌رود، این افراد در بزرنگاه‌ها که سپاه اسلام و جامعه اسلامی نیاز به همدلی و انسجام و تقویت روحیه داشت، با اقدامات سوء خود سعی در ایجاد آشوب و فتنه‌انگیزی و تضعیف جبهه اسلام داشتند که پیامبر گرامی اسلام با همراهی انصار و دیگر مسلمانان و نیز رسواسازی آنان از طریق خدای متعال، سعی در کنترل و مدیریت این وضعیت بحرانی داشتند.**

صفحه ۱۱
شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵
جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۶۵

اما حضرت به‌منظور جلوگیری از فتنه‌انگیزی‌های بعدی آنان در نبود ایشان، حضرت علی(ع) را جانبدار خود در مدینه منصوب کردند و سفارش‌های لازم را به ایشان فرمودند.<sup>(۸)</sup>

**نتیجه**

«ارجاف» در لغت به معنای ایجاد اضطراب و تزلزل و سستی در اذهان و قلوب انسان‌ها به شیوه‌های مختلف است. «مُرجفون» نیز در قرآن کریم برای افرادی به کار رفته است که با رفتار و گفتار خویش سعی در ایجاد آشوب و فتنه در صفوف مسلمانان را دارند. در دوران ده‌سالۀ حضور حضرت رسول در مدینه منوره به‌ویژه در غزوات ایشان که جزو لحظات بسیار حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ صدر اسلام به شمار می‌رود، این افراد در بزرنگاه‌ها که سپاه اسلام و جامعه اسلامی نیاز به همدلی و انسجام و تقویت روحیه داشت، با اقدامات سوء خود سعی در ایجاد آشوب و فتنه‌انگیزی و تضعیف جبهه اسلام داشتند که پیامبر گرامی اسلام با همراهی انصار و دیگر مسلمانان و نیز رسواسازی آنان از طریق خدای متعال، سعی در کنترل و مدیریت این وضعیت بحرانی داشتند.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱. غلامرضا خسروی حسینی؛ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن؛ تهران: مرقصی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۴۹ – ۵۰.
۲. محمد بن عمر واقدی؛ المغازی؛ تحقیق: مارسدن جونس؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۸.

۳. عبدالملک بن هشام؛ السیره النبویه؛ تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الیابری و عبدالعزیز شابی؛ بیروت: دارالمعرفه، اری تا، ج ۲، ص ۲۲۲.
۴. عبدالقادر آل غازی؛ بیان المعانی؛ دمشق: مطبعه الترقی، ۱۲۸۲ ق، ج ۵، ص ۴۶۵.
۵. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۰، تهران: دارالتفکر الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۲۲۷ – ۲۳۹.
۶. محمد بن عمر واقدی؛ المغازی؛ ج ۲، ص ۵۷۴ – ۵۷۵.
۷. سوره فتح: ۱۵.
۸. محمد بن عمر واقدی؛ المغازی؛ ج ۳، ص ۹۹۵.
**علی‌محمد تاج‌الدین**

**حضرت عیسی به حواریان خود که سؤاَل کرده بودند با چه کسی همنشینی داشته باشیم؟ فرمود: با کسی نشست و برخاست کنید که دیدارش شما را به یاد خدا می‌اندازد و صحبتش علم شما را زیاد می‌کند و عملش شما را به آخرت ترغیب می‌کند.**

خدا شرم کند، در آشکار نیز باحیاط خواهد بود.
**۸. احیای حس کرامت انسانی**
انسانی که به کرامت ذاتی خود باور دارد، تن به رفتارهای سبک و خلاف حیا نمی‌دهد. قرآن کریم انسان را موجودی گرامی معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ به تحقیق انسان‌ها را کرامت بخشیدیم»<sup>(۱)</sup> و روایات اهل‌بیت(ع) نیز بر حفظ شأن و منزلت انسان تأکید دارند. اساساً احساس باکرامت بودن، انسان را از بسیاری از کارهای ناپسند و ناپسندیده‌ها پاک می‌کند. در روایات آمده است که: «مَنْ كَرَّمَ عَلَيَّ نَفْسَهُ فَانَّتْ عَلَيَّ الشُّهُوءُ»<sup>[شَهْوَاهُ: هر کسی که کرامت نفس داشته باشد شهواتش بر او پست و خوار محسوب می‌شود]</sup>؛ یادآوری این کرامت، مانع سقوط اخلاقی وی و بی‌بروایی رفتاری می‌شود.

**نتیجه‌گیری**

حیا صفتی اکتسابی و قابل تقویت است و کمرنگ بودن آن به معنای بن‌بست اخلاقی نیست. با افزایش معرفت دینی، مراقبت‌های اخلاقی، انتخاب الگوها و اطرافیان و محیط مناسب، احیای حس کرامت و دوری از گناهان پنهان و بازگشت مدام به خداوند، می‌توان این فضیلت ارزشمند را در وجود خود احیا کرد.

**پی‌نوشت‌ها:**
۱. علق، آیه ۱۴.
۲. احزاب، آیه ۵۳.
۳. کلینی؛ محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۹.
۴. انعام، آیه ۱۲۰.
۵. اسراء، آیه ۷۰.
۶. سید رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۵۵.
**\*هادی خالصی**

**اختصاص زمان طولانی به خنده و شوخی در صورت رسیدن به حد افراط، با توجه به روایات می‌تواند موجب تضعیف و از بین رفتن ایمان، فساد عقل، کاهش دینداری، دلمردگی، تضعیف اراده و عزم جدی، نادان شمرده شدن، کاهش وقار و هیبت، جدی گرفته نشدن در مواقع لازم و گرفتار شدن در معرض بدخواهی و تحقیر دیگران شود.**

مانند ترویج فحشا؛ تأیید باطل و ایجاد شبهه در آن‌ها اتفاق نیفتد، اصل برنامه از جهت شوخی و طنز می‌تواند قابل‌قبول باشد.
بسا این حال، اختصاص زمان طولانی به خنده و شوخی در صورت رسیدن به حد افراط، با توجه به مستحجّات و کمتر جدی و متمرکز و بارآوده دیده تفریط در خنده و شوخی است.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۱۱۹.
۲. تصنیف غر الحکم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی (۵۵۵ق)، تحقیق: مصطفی درابئی، قم، دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۴۶ ق.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ق)، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۶۶۲.
۴. مهنا الاخیر، محمد بن علی بن بابویه صدوق (۳۸۱ق)، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۳۵.
۵. تصنیف غر الحکم، همان، ص ۴۶۱.
۶. همان، ص ۹ تا ۶.
۷. همان، ص ۱۱، ج ۱۱، ص ۴۲۲.
**\*سید حبیب حسینی‌رنائی**

معارف
MaarefKayhan@Kayhan.ir

# راهکارهای ایجاده و تقویت حیا

**حیا صفتی اکتسابی و قابل تقویت است و کمرنگ بودن آن به معنای بن‌بست اخلاقی نیست. با افزایش معرفت دینی، مراقبت عملی، انتخاب الگوها و اطرافیان و محیط مناسب، احیای حس کرامت و دوری از گناهان پنهان و بازگشت مداوم به خداوند، می‌توان این فضیلت ارزشمند را در وجود خود احیا کرد.**

دارد. آنان حتی در مباح‌ترین امور، نهایت وقار و حیا را رعایت می‌کردند. الگوگیری آگاهانه از این اسوه‌های الهی، معیارهای رفتاری انسان را اصلاح می‌کند. مطالعه نوع پوشش اولیای الهی و همسران و دخترانشان، مدل صحیح کردن آن‌ها را نامحرم، دوری از آن و مقدمات آلوده به بی‌بروایی اخلاقی، به‌تدریج حساسیت و زمینه‌های گناه بسیار آموخته‌اند است و روش الگویی



# شرکت در مجالس طنز و شوخی

**پیامدهای خنده زیاد**
در روایات اهل‌بیت(ع) ضررهای بسیاری برای خنده زیاد بیان شده است که همه آن‌ها در زندگی اجتماعی و فردی قابل مشاهده و تجربه می‌باشند. برخی از آثار سوء خنده زیاد عبارتند از:
**از بین رفتن وقار و هیبت انسان:** امام علی(ع) فرمود: «مَنْ كَثُرَ مِرَاحَةُ فَلَتْ هَيْبَتُهُ» هر که زیاد شوخی کند، هیبتش کم می‌شود.<sup>(۱)</sup>
**جدی گرفته نشدن در موقع لزوم:** امام علی(ع) فرمود: «مَنْ جَلَلَ ذِنْبَهُ الْهَزَلُ لَمْ يَعْرِفْ جَدَّهُ» هر که مسخرگی را عادت خود قرار دهد، جدّی بودنش شناخته نشود.<sup>(۲)</sup>
**مبتلی شدن به بدخواه یا تحقیر کننده:** امام علی(ع) فرمود: «مَنْ كَثُرَ مِرَاحُهُ لَمْ يَخُلْ مِنْ حَاقِدٍ عَلَيْهِ وَمُسْتَحْجَجٍ بِهِ» هر که زیاد شوخی کند، از داشتن بدخواه و کسی که او را خفیف شمارد بی‌نصیب نخواهد بود.<sup>(۳)</sup>
**لبته در فرهنگ دینی:** در برخی موارد خاص زیاد شوخی کردن و خنده حلال مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله موقع سفر؛ اَلْمَرْوَةُ فِي السَّفَرِ... و کثَرَةُ المِرَاحِ فِي غَيْرِ مَا يَسْخَطُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.<sup>(۴)</sup>

**فایده شدن عقل:** امام علی(ع) فرمود: «مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْهَزَلُ فَسَدَ عَقْلُهُ» هر که مسخرگی بر او چیره آید، عقلش تباه شود.<sup>(۵)</sup>
**ذوب شدن دینداری انسان:** امام جعفر صادق(ع) فرمود: «كَثَرَةُ الضَّحْكِ تَمْيِثُ الدِّينَ كَمَا تَمْيِثُ أَلْمَاءُ الْمِلْحُ» خنده زیاد دین را ذوب می‌کند، همان‌که آب نمک را در خود حل می‌کند.<sup>(۶)</sup>
**دل‌مردگی و افسردگی:** پیامبر خلاص(ع) فرمود: «إِيَّاكَ وَكَثَرَةَ الضَّحْكِ؛ فَإِنَّهُ نَيْمٌ الْقَلْبُ؛ زِيَهَارُ از خنده زیاد، که دل را می‌میراند».<sup>(۷)</sup>
**ضعیف شدن اراده:** امام علی(ع) فرمود: غَلَبَةُ

از منظر اخلاقی و تربیت چگونه می‌باشد؟ در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

**منظور از برنامه‌های طنز**

منظور از برنامه‌های طنز جلساتی است که عده‌ای با هدف شادی و با استفاده از برنامه‌های شاد مانند اجرای طنز و شوخی‌های طنزآمیز چند ساعتی را دور هم جمع می‌شوند و وقت می‌گذرانند. شادی و خنده هدف و برنامه غالب در این گونه جلسات است که معمولاً طولانی هستند و عنصر شوخی و خنده در آن‌ها زیاد اتفاق می‌افتد. برخلاف جلسات دیگر که به‌جسرا در این‌ها هم شوخی و طنز وجود داشته باشد، اما در ضمن و حاشیه و محدود اتفاق می‌افتد؛

هم برای آن مطرح شده است که در صورتی مورد تأیید و مثبت ارزیابی می‌شوند که آن شرایط و حدود در آن‌ها مراعات شود و الا مورد تأیید نمی‌باشد؛ لذا برنامه‌های طنز هم از این جهت مانند دیگر موارد در صورتی تأیید می‌باشند که آن شرایط و حدود در آن‌ها رعایت شود؛ مانند رعایت حدود شرعی و اخلاقی و آلوده نبودن به توهین و تحقیر و ادیت دیگران، پرهیز از شوخی‌های جنسی و قومیتی مذبوم، دور بودن از تالی فاسد مانند اشاعه فحشا یا تأیید باطل یا ایجاد شبهه و...

**مذمت خنده زیاد در فرهنگ دینی**

اگرچه شوخی و مزاح در مکتب اسلام مورد تأیید و تشویق قرار گرفته است، اما توصیه به استفاده کم برنامه‌ها فقط از منظر بحث شوخی و خنده مورد دقت قرار می‌گیرند و بررسی آن از منظرهای دیگر به فرصت‌های مناسب دیگر محو مژگان می‌شود.

**شرایط و آداب شوخی و طنز**

اگرچه اصل موضوع شوخی و شاد کردن دیگران مورد تأیید اسلام عزیز است و برای آن آثار و فواید مثبتی هم در دنیا و آخرت بیان شده است؛ اما مانند همه موضوعات دیگر حد و حدود و شرایط و آدابی